فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره ششم (بهار ۱۴۰۰)

بررسی نقش روحانیون در بهبود رشد آموزشی و پرورشی

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

احمدرضا زارعی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

چکیده

دین برای آدمی موهبتی الهی و تربیت دینی فرصتی مهم در رشد و توسعه ی فطرت وجودی انسان می باشد. این تربیت باعث می گردد که که انسان را به یک فلسفه حیات مسلح کرده و به عقل وی روشنگری بخشد. در نظام آموزشی ایران توجه به آموزه های دینی دانش آموزان به منظور اخلاقی کردن جامعه و پرورش فضائل و نیکی ها در اجتماع، از جمله اهداف مهم آموزش و پرورش و از آن فراتر، جامعه اسلامی محسوب می شود. جامعه‌ی دینی نیاز به تربیت دینی دارد تا افراد در آن استعداد هایشان را شکوفا سازند. شیوه‌ی تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش آموزان بسیار مؤثر است. تربیت در همه‌ی ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی انسان کار ساده ای نیست. لذا لازم است همه‌ی عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند.

واژگان کلیدی: روحانیون، روحانیت، آموزش و پرورش، مدرسه

مقدمه

پیشینه تاریخی نظام تعلیم وتربیت در ایران، بیانگر ارتباط مستمر روحانیون با محیط های آموزشی است. میزان این ارتباطات در دوره های مختلف کم وزیاد شده است. زمانی تمام فعالیت های آموزشی، منحصراً در دست آنان بوده و زمانی هم با رشد نیاز های جدیدوتنوع اندیشه ها وتقاضا ها در سطح اجتماع، این انحصار رو به کاهش گذاشته است. هرچند بخش اعظمی از ن هاد روحانیت از تأسیس و گسترش مدارس جدید اظ هار خرسندی نمی کرد، اما در میان بنیانگذاران آموزش وپرورش نوین، روحانیون پیشتازی هم به چشم می خورد که نه تن ها حامی این مدارس بودند بلکه خود، مؤسس شمرده می شوند. بااستقرار نظام های نیمه عُرفی ومتعاقب آن تحولات سریع جامعۀ ایرانی در جهت مدرن سازی ن هاد های جامعه، تأثیر ظرفیت های روحانیون در دستگاه تعلیم وتربیت رسمی کشور رو به کاهش ن هاد. البته دولت های وقت به دلیل گرایش های عامه مردم به مظاهر وشعائر مذهبی، هیچگاه به طور کامل مانع حضور روحانیون در این دستگاه نمی شدند. حتی بعد از خرداد چهل ودو نیز این ارتباط قطع نشد. تألیف کتاب های درسی و تدریس در رشته های مرتبط، بیانگر گوشه ای ازفعالیت روحانیون در مقاطع تاریخی مختلف است. بسیاری از آن ها که دستی در معلمی ومدرسه داری داشتند به استخدام دولت در آمدند. در دوره ای که رضا شاه پهلوی، سیاست "مدرن سازی آمرانه " ن هاد های اجتماعی را در پیش گرفت، سخت گیری وشدت بر این گروه (گروهی از روحانیون که در آموزش وپرورش به سیاست های عرف گرایانۀ دولت وقت تعهدی نشان نمی دادند) افزایش یافت، اما سقوط وی بعد از شهریور بیست، مجدداً فضا را برای این فعالیت ها مساعد کرد. گذشته از این، بخشی از روحانیون ناراضی، در دوره پهلوی دوم به دایر کردن مدارس خاص همت گماشتند کارنامه این افراد نیز از موفقیت خالی نیست. به مرور زمان بر تعداد این مدارس افزوده شد (موسسات ومدارس علوی و رفاه از این دستند، حتی در مدیریت از افراد روحانی استفاده می کردند). بعد از انقلاب اسلامی نیز از میان پرورش یافتگان این مدارس که ارتباط خود را با روحانیت حفظ کرده بودند کسانی به دایر کردن موسسات ومدارس نوین با رویکرد تربیت

دینی پرداختنداین مجموعه ها یا مستقیماً توسط روحانیون اداره می شد ویا تحت نظر آنان فعالیت می کرد. (مدارس تحت تدبیر جامعه تعلیمات اسلامی، موسسات آموزشی وابسته به مؤتلفه اسلامی، مدارس علوم ومعارف اسلامی وابسته به مدرسه عالی شهید مطهری و جامعۀ الصادق، ویا مجموعه هایی که تحت نظر سازمان تبلیغات اسلامی با نام صدرا راه اندازی شده اند. حتی در یک دوره کوتاه مدرسه ای به نام "نور" با کمک وحمایت های مرحوم آیت الله سید مجتبی تهرانی در رشته ریاضی به فعالیت پرداخت وجزءمدارس موفق منطقه دوازده محسوب می شد). آموزش های اعتقادی در کنار انجام پر رنگ مناسک و شعائر مذهبی وجدیت و دقت در گزینش و انتخاب دانش آموزان، مربیان و مشاوران پایه های تحصیلی وبهره مندی ازحضور روحانیون در کلاس ها ی درس، مجالس اخلاق واردو ها، از ویژگی های این مدارس شمرده می شود.

بخش اول: بیان موضوع

اما دغدغۀ اخلاق و نگرانی ازکم رنگ شدن گرایش های دینی درمیان دانش آموزان مدارس دولتی، دو عامل عمده ای بودندکه همواره ذهن مسئولین آموزش وپرورش را در دوره های مختلف آزارمی داد. ورویای مدرسه فاضله ای که در جهت اهداف مدارس فوق الذکر گردش نماید در پس وپشت ذهن آنان بود. آن ها عمدتاً با الگو برداری از مدارس فوق الذکر، سعی وافر داشتند ودارند تابرای این نقیصه ها راه حلی بیابند (خوب است بدانیم بخش عمده ای از افراد تأثیر گذار در تصمیمات آموزش وپرورش وحتی سایر ارگان های دولتی، از این موسسات ومدارس خاص بالیده اند ویا کماکان ارتباط خود را با آن هاحفظ کرده اند). در سند تحول بنیادین آموزش وپروش از مشارکت "حوزه های علمیه " سخن به میان آمده، هرچند حتی قبل از رونمایی از این سند، تلاش هایی برای برقراری ارتباط پایدار تروحانیون با مدارس صورت پذیرفته، در وزارت آقایان فرشیدی و علی احمدی این طرح پیگیری شد و منجر به امضای توافق نامه ای با رئیس حوزه های علمیه قم (حجۀ الاسلام والمسلمین مقتدایی) گردید وآخرین وزیر آموزش وپرورش دولت دهم مطرح کرد که:"آموزش وپرورش از حضور روحانیون در مدارس استقبال می کند. " ونیزبنا به گفته

حجۀالاسلام ملکی مشاور وقت وزیر و دبیر همکاری های حوزه علمیه وآموزش وپرورش، حوزه ها در فکر"راه اندازی رشته تربیت مُبلّغ برای واحد های دانش آموزی" هستند. همکاری ها در پنج عرصه شکل می گرفت:اشاعه فرهنگ و پشتیبانی، تبلیغ و پرورش، آموزش و اعزام نیروی انسانی، پژوهش و تولید مواد ورسانه ها و مدارس وابسته. این طرح وقتی منجر به واکنش افراد مختلف در آموزش وپرورش وحوزه های علمیه شد که طبق تفاهم نامه ای بین اداره کل آموزش وپرورش شهر تهران و مدیریت حوزه علمیه برادران استان تهران (این تفاهم نامه توسط میر کل فعلی شهر تهران امضاء شده)، مقرر گردید که در بعضی مدارس که از این به بعد به "مدارس امین"نام برده می شوند. روحانی ثابت مستقر گردد. والبته همزمانی مطرح شدن این مطلب باحضور تعداد زیادی از روحانیون جوان در مدارس شهر تهران بر دامنۀ رسانه ای آن افزود. بعضی از تشکل ها ضمن فراخوان عمومی، خواستار لغو این تفاهم نامه شدند ودر مقابل بعضی از شخصیت های سیاسی ومذهبی به دفاع از طرح پرداختند. فی المثل، مدیر حوزه علمیه بوشهر مطرح کرد:"متأسفانه برخی ها در پی این هستند که حضور روحانی در مدارس امین را با مشکلاتی مواجه کنند و حوزه هراسی و روحانی هراسی را در بین نیرو های فرهنگی به وجود آورند و این شائبه را ایجاد کنند که روحانیون با حضور خود قصد دارند مدیریت در مدارس را به دست گیرند. " آقای حداد عادل که یک چهره آشنا در آموزش وپرورش ایران است نیز ضمن بیان اینکه:"وجود روحانیون در بخش های مختلف آموزش وپرورش می تواند به کلیت تعلیم وتربیت کمک کند" افزود:" این طرح دارای معایب و محاسنی است که محاسن آن بسیار بیشتر از معایب آن بوده وباید تلاش کرد تا معایب آن نیز بر طرف گردد. " در فضای مجازی ومطبوعاتی نوعی خلط مطلب پیش آمد. حضور روحانیون در مدارس در قالب طرح هایی که به امضای مسئولین می رسد، چیز تازه ای نیست البته در دوره های دولت نهم ودهم بر حجم وتعداد این طرح ها واختصاص بودجه های ویژه افزوده شد (طرح هایی مرتبط با مهدویت، بصیرت و...). تا بحال نیز حضور روحانیون را دانش آموزان کنجکاو، با سردی پاسخ نگفته اند. برگزاری نماز های جماعت وطرح احکام شرعی مبتلابه، پاسخ به سؤالات ومسائل اعتقادی وخصوصاً طرح مطالبی که در مناسبت های ملی ومذهبی وسیاسی

کشور جریان دارد، بخشی از فعالیت های روحانیون را شامل شده است. در خبر ها هم داشته ایم که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱بیش از بیست ویک هزار روحانی در بیست وشش هزار مدرسه در سراسر کشور برای برپایی نماز جماعت مشارکت نموده اند. تا اینجا با یک فعالیت عمومی مواجه هستیم که البته باید به صورت جدی مورد آسیب شناسی قرار گیرد. اما در کنار این فعالیت ها، طرحی در شُرف اجراست که تعدادی از مدارس دولتی در قالب "مدارس امین"، نوعی وابستگی به حوزه های علمیه پیدا کنند. این وابستگی ها در قالب تفاهم نامه هایی صورت می گیرد که مورد توافق مسئولین آموزش وپرورش ومدیریت حوزه های علمیه باشد. این مطلب در قالب یک طرح می تواند مورد ارزیابی وآسیب شناسی قرار گیرد. اما قبل از آن نگاهی اجمالی به این تفاهم نامه خالی از فایده نخواهد بود. این تفاهم نامه در پنج ماده و سی وپنج بند تنظیم شده است و از تاریخ امضاء (بیستم آذر ۱۳۹۲) به مدت دوسال اجرا می شودودر صورت توافق طرفین، قابلیت اصلاح وتمدیدمجدد را دارد. در ماده اول این تفاهم نامه از "همکاری واهتمام مشترک به امر راه اندازی وتوسعه مدارس امین وابسته به حوزه علمیه"سخن رانده شده و در بند دیگری از این ماده آمده" براساس این طرح با انتخاب (مدیریت حوزه) وتوافق (اداره کل) مدرسه دولتی به مدرسه وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شود و (مدیریت حوزه) با استقرار روحانی ثابت در این مدارس مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده خواهد داشت". ونیز پیش بینی شده که "تعداد مدارسی که هر سال به این طرح افزوده می شوند بر اساس ظرفیت های اعلام شده از سوی (مدیریت حوزه) تعیین می گردد. " در ماده ۲ (اصول وسیاست های حاکم بر همکاری ها) "حرکت در چ هارچوب احکام دینی و مقررات نظام مقدس جمهوری اسلامی در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش وپرورش با محوریت ونشر اندیشه تبعیت از ولایت مطلقه فقیه"، مطرح گردیده است. در ماده ۳ به تعهدات اداره کل پرداخته شده ودر بند هایی، این تعهدات شامل: تشکیل جلسات، توجیه طرح، تلاش برای انتخاب مدیر وکادر هماهنگ با طرح با عنایت به ظرفیت های موجود، تعیین مکان مشخص برای روحانی بعنوان دفتر کار برای ارائه مشاوره، پاسخگویی به سؤالات وارتباط با خانواده ها، حمایت وتأمین مالی وامکانات لازم به صورت ویژه، هماهنگی با مدیریت مدرسه برای حضور روحانی در بخشی از

کلاس های پرورشی به صورت منظم یا پنجره باز در هر پایه تحصیلی، هماهنگی لازم جهت بهره مندی معلمان از دوره های آموزشی تخصصی مدیریت حوزه، می شود. ودر ماده ۵ تعهدات مدیریت حوزه علمیه شمرده شده: نظارت بر محتوای برنامه ها و فضا های تربیتی و فرهنگی از جمله کتابخانه ها، سایت و... (نقطه چین عیناً در متن تفاهم نامه آمده است)، برگزاری دوره های آموزشی مهارتی جهت ارتقاء ورشد فکری و افزایش توانمندی معلمان، دانش آموزان واولیاء، با هماهنگی کار گروه مشترک، شرکت موثر مبلغان در اردو ها وگردش های علمی مدرسه، ارتباط مبلغان با دانش آموزان در خارج از کلاس مانند زنگ تفریح، صبحگاه و بهره مندی از تمام ظرفیت های موجود برای اجرای طرح تربیتی می باشد.

بخش دوم: بحث و بررسی

با وجود اینکه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، تلاش های زیادی برای ایجاد فضای معنوی و ارائه محتوای دینی، مبتنی بر اصول و ارزش های اسلامی در مدارس صورت گرفته، اما به نظر می‌رسد، از یک‌سو به علت رسوخ و نفوذ برخی رویکرد ها و جریانات داخلی و خارجی (مانند؛ سند ۲۰۳۰) به نظام آموزشی و از سوی دیگر به علت تأثیرات منفی فضای مجازی و برنامه های دین زُدایانه شبکه های ماهوار های بر جامعه، اقدامات صورت گرفته از سوی مسئولین کشور، تا حدود زیادی اثربخشی خود را از دست داده است. علاوه براین؛ طی این سال ها، نظام آموزشی کشور به دلیل عدم ارتباط مؤثر با حوزه های علمیه نتوانسته است، به تمام اهداف موردنظر برای ارائه محتوای مبتنی بر مبانی اسلامی به مفهوم واقعی آن دست پیدا کند، شاید یکی از دلایل این ناکامی ناشی از آن باشد که متولیان تهیه و تدوین متون آموزشی، همچنان تلاش می‌کنند تا با مزین نمودن الگو های قبلی به آیات و روایات اسلامی، الگویی به ظاهر جدید و در عین‌حال، اسلامی ارائه نمایند. اتفاقاً انحراف در مسیر تربیت جوانان و نوجوانان به سوی اهداف والای انقلاب اسلامی، درست از همین‌جا کلید می‌خورد، در واقع به علل مختلف از جمله؛ عدم تسلط و اِشرافیت کافیِ دست‌اندرکاران تهیه و تدوین متون با اصول و مبانی اسلامی و نیز فقدان رابطه مفید و مؤثر سیستم آموزشی کشور با حوزه های علمیه و علمای دینی (متخصصین امور دینی) در سطوح مختلف

تحصیلی، (از مدرسه تا دانشگاه)، نتوانست هایم در انتقال مفاهیم اسلامی به جوانان و نوجوانان، به شکل کاملاً موفق عمل کنیم. قطعاً اگر نظام آموزشی کشور از همان ابتدا در یک اقدام مشترک و در تعامل نزدیک و گسترده با اساتید حوزه و دانشگاه، اقدام به تدوین متون آموزشی می‌نمود و همزمان، مراکز تربیت معلم و مراکزی مانند دانشگاه تربیت مدرس، بیش از پیش از همکاری اساتید حوزه های علمیه برای تربیت معلمین و اساتید بهره می‌برد و اگر حوزه های علمیه نیز با آینده‌نگری لازم و برنامه‌ریزی مناسب، نقش پررنگ‌تری را در این زمینه بر عهده می‌گرفتند، نتیجه بهتری عاید می‌شد و کار به اصلاحات ظاهری و شکل و قالب کار محدود نمی‌شد. البته همان‌گونه که اشاره شد، این مشکل عمومیت ندارد، اما رفع آن مستلزم اقدامات فوری، فراگیر و گسترده برای حل مشکل در حوزه های مختلف است، اقداماتی مانند؛ بازنگری و اصلاح مجدد متون آموزشی، بازنگری و اصلاح نظام جذب و آموزش معلمین و اساتید و ایجاد یک شبکه مناسب برای استفاده بیشتر از ظرفیت حوزه های علمیه و توان فکری و ذهنی طلاب واجد شرایط در مدارس و دانشگاه ها، از مصادیق اقداماتی است، که برای رفع مشکلات آموزشی موجود در اولویت قرار دارند. طرح یک روحانی برای هر مدرسه تحت عنوان «سفیران هدایت» به عنوان یک طرح پیشنهادی، که می‌تواند با کمک ن هاد رهبری در دانشگاه ها نیز به شکل دیگری عملیاتی شود، در پی آن است تا با ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین طلاب عزیز با بدنه جامعه آموزشی کشور و تعامل نزدیک و مستمر با دانش‌آموزان، دانشجویان و همچنین معلمین و اساتید، به رفع نواقص موجود در این رابطه کمک نماید. به عبارت دیگر در قالب این طرح پیشنهادی قرار است، طلاب و روحانیون بزرگوار از محصور ماندن در فضای حوزه های علمیه، مساجد و هیئت مذهبی اجتناب نموده و همان‌گونه که پیامبران الهی (ص) و ائمه معصومین (ع) با حضور گسترده و مستمر بین مردم، به رسالت خود برای جذب و هدایت جامعه به‌سوی معارف الهی و ارزش های مثبت اجتماعی عمل می‌کردند، نقش فعالتری را در این زمینه بر عهده بگیرند.

- کمک به احیاء؛ ترویج و ن هادینه‌سازی مفاهیم و اصول و ارزش های اسلامی در مدارس و دانشگاه
- تقویت ارتباط روحانیت با پیکره جامعه، در بخش دانش‌آموزی و دانشجویی و سایر مراکز آموزشی.
- کمک به تقویت آموزش های دینی و ارتقاء سطح فکری، رفتاری و معنوی دانش‌آموزان و دانشجویان.

پاسخگویی به شبهات مذهبی و دینی دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر متولیان بخش آموزش.

کمک به تقویت آموزش های تربیتی و پرورشی و همچنین م هارت های مدیریتی از نگاه اسلام.

ایجاد اُنس و الفت بیشتر و رابطه قویتر، بین جوانان و نوجوانان با طلاب و روحانیون بزرگوار.

کلیه مراکز آموزشی در چارچوب قانون موظف شوند، با تنظیم تفاهم‌نامه بین آموزش و پرورش و حوزه های علمیه یا شورای سیاست‌گذاری ائمه‌جمعه و جماعات شهرستان ها، به ازای هر مدرسه یک طلبه حداقل سطح دو و ترجیحاً جوان را برای هر مدرسه جذب و به‌کارگیری نمایند. دانشگاه ها نیز در قالب تفاهم‌نامه مورداشاره، ترجیحاً از همکاری اساتید حوزوی (به ازای هر دانشکده یک روحانی) برخوردار شوند. طلاب و روحانیون جذب شده موظف شوند، در فاصله برگزاری کلاس های درسی مدارس یا به عنوان مربی پرورشی در کلاس های درس، با دانش‌آموزان و مربیان در تعامل نزدیک و چهره‌به‌چهره قرار گرفته و به شکل صمیمانه رفاقت نمایند. طلاب و روحانیونی که در اجرای طرح مشارکت می‌کنند، باید تلاش کنند تا در جریان تعامل با دانش‌آموزان و دانشجویان، کار هدایت و طرح مسائل موردنیازِ قشر جوان و نوجوان را به شکل ترجیحاً غیرمستقیم ارائه نمایند. طلاب عزیزِ به‌کارگیری شده در مدارس، باید ترتیبی اتخاذ نمایند تا ضمن تقویت و تعمیم مراسم نماز جماعت در مدارس، در تعامل با بسیج دانش‌آموزی مدرسه و بسیج فرهنگیان شهرستان،

مفاهیم و ارزش های دینی به شکل منطقی، اصولی و هدفمند در مدارس ن هادینه شود. برنامه‌ریزی برای انتقال اصولی مفاهیم دینی یا برگزاری مناسبت های مذهبی و ملی یا تشکیل گروه های مردم ن هاد تبلیغی و ترویجی و حتی برنامه‌ریزی در جهت تقویت مؤلفه هایی رفتاری مانند؛ آرمانگرایی، برنامه‌ریزی، تحقیق و مطالعه، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، دینداری، صداقت و راستگویی و همچنین حساس نشان دادن در برابر اموری مانند؛ تخریب محیط زیست و اموال عمومی و امثال آن، در شکل دادن اصولی به شخصیت دانش‌آموزان، مشارکت نمایند.

نقش روحانیون بزرگوار در دانشگاه ها بیشتر پاسخگویی به سؤالات و رفع شب هات و معرفی اصولی و اثرگذار اسلام ناب محمدی (ص) و اهداف عالیه انقلاب و نیز احیاء مراسم عبادی به عنوان یک ارزش اجتماعی از طریق ترغیب دانشجویان و اساتید محترم به شرکت در نماز جماعت و سایر مراسم مذهبی است. جذب نیرو می‌تواند به شکل رسمی و تدریجی باشد و یا به‌صورت حق‌التدریسی و یا پاره وقت و غیررسمی در قالب طرح کارآموزی برای طلاب به شکل هفت های دو روز یا ماهی یک هفته و یا سالی یک ماه. البته خوب است ترتیبی اتخاذ شود تا همزمان، بخشی از دوره آموزشی مربیان پرورشی ترجیحاً در حوزه های علمیه یا توسط حوزه های علمیه ارائه شود و برای مربیان موجود نیز با همکاری حوزه های علمیه دوره های حین خدمت برگزار شود. امید است توجه به این پیشنهاد کاربردی و اجرای فوری این طرح بتواند از هدر رفتن بیش‌از پیش فرصت ها جلوگیری و شرایط را برای بهبود شرایط آموزشی و به‌خصوص، نظام تربیتی و پرورشی در مراکز آموزشی کشور فراهم سازد. حوزه های علمیه می توانند برای پیگیری طرحی که به تشویق محصلان دولتی برای حضور در حوزه ها می انجامد به تجارب دبیرستان های علوم ومعارف توجه نمایند. این نوع مدارس بر مدارگزینش محصلان می گردند. از طرف دیگراراده و تقاضای محصلان وخانواده های آن ها نیزبرای ادامه تحصیل در این نوع مدارس، اهمیت می یابد والبته بودجه و امکانات وتجهیزات وفضای آموزشی، نیز مطرح است. این در حالی است که هنوز بحث سرانه مدارس دولتی، امری جدی محسوب می شود. اینکه در شهر تهران مدارسی را به عنوان این

طرح، از فعالیت معمول خود خارج کنیم یک آسیب دیگری نیز متوجه آموزش وپرورش و مردم می کند. تا بحال با طرح های متنوعی که اجرا شده، تعداد قابل توجهی از مدارس دولتی خوب و خوشنام، این امکان را از دست داده اند که علی السویه به همه متقاضیان خدمت رسانی کنند. مثلاً طرح مدارس "هیئت امنایی" بعضی ازمدارس خوب هر منطقه را، به خود اختصاص داد وحالا این مدارس با نوعی رفتار گزینشی ونخبه گرایی و تعیین نوعی شهریه و جذب معلمان کارآمدتر وپرداخت مبلغ افزوده تر در کنار حقوق رسمی معلمان، از سفره مدارس دولتی برخاسته اند. به این ترتیب دایره مدارس دولتی که طبق قانون بدون هیچ شرط وشروطی باید از محصلان محدوده جغرافیایی خود ثبت نام کنند، روز به روز تنگتر می شود. در بعضی مناطق تعدادشان از انگشتان یک دست فراتر نمی رود. گویی مسئولین این ن هاد بزرگ، کم کردن این نوع مدارس را بیشتر خوش می دارند. تن مجروح مدارس دولتی دیگر توان جدا کردن چند مدرسه خوب دیگر را ندارد. طرح مدارس امین می تواند طرح خوبی باشد به شرط آنکه نقطه شروع آن ها تأسیسی باشد نه اینکه مدارس حاضر وآماده را از محصلان جدید (ضمن گزینش وآزمون) پر کنند ومحصلانی را که به هر دلیل نمی خواهند در چنین طرحی ادامه تحصیل دهند برانند. این طرح، باری از دوش آموزش وپرورش در رابطه با تحول کیفی وارتقاء وضعیت فعالیت های تربیتی مدارس دولتی بر نمی دارد زیرا نوعی مدارس خاص را بر دوش آموزش وپرورش تحمیل می کند که یا باید راه استقلال مشی را طی کنند وبه مرور به نوعی دریافت شهریه از محصلان خاص خود رو بیاورند ویا در نوعی تداخل مشی به فرسایش بگرایند. حضور روحانیون زمانی می تواند موثر باشد که آموزش وپرورش در ساختار مدارس دولتی تغییرات بنیادی را به انجام برساند وتعریف راهبردی وعملیاتی از تربیت دینی ارائه نماید، تعریف جدیدی بنماید از مدرسه وفعالیت های پرورشی وتربیتی با توجه به نقشهٔ راهی که در آن جایگاه تنوع نظرات ونقش ن هاد های مدنی و مردم سالارانه مشخص باشد. فرسوده کردن روحانیون در طرح هایی که یا فرجام آن ها مشخص نیست ویا فرصت حضور دوباره آن ها را کم رنگ می کند به نفع نظام تعلیم وتربیت کشور نیست. از طرف دیگر: معلمان و دانش آموزان وخانواده ها توقع دارند این ن هاد پُر سابقه که علی رغم تمام مشکلات و گرفتاری ها روی پا ایستاده، با حفظ

استقلال خود نشان بدهد که کفایت تربیت فرزندان این مرز وبوم رادارد، با تمام تفاوت های سلیقه ای واعتقادی که دارند وبا تعامُل سازنده با همۀ ن هاد های متولی تعلیم وتربیت که در سند تحول به عنوان ارکان تربیت شمرده شده اند می تواند چرخش بزرگ وبنیادی را انجام دهد. قدر زحمات مدیران ومربیان ومعلمان وخصوصاً انجمن های اولیاء را می داند وقادر است رسالت خود را با کفایت به انجام برساند.

نتیجه گیری

آموزش وپرورش می تواند با هر موسسه ای که در پیشبرد اهداف آموزشی وپرورشی دانش آموزان فعالیت می کند تفاهم نامه امضاء کند. اما همواره باید یک نکته اساسی را سر لوحه کارخود قرار بدهد وآن این است که به کلیت نظام تعلیم وتربیت ذی نفعانش آسیب نرسد. به عبارت دیگر علاوه بر توجه به "نتایج"، به "پیامد ها "نیز دقت نماید. ساختارآموزش و پرورش ایران در حال حاضر دچار نوعی از هم گسیختگی ناشی از تحولات پی درپی وتصمیم گیری های خلق الساعۀ است. تنوع مدارس از غیر دولتی بگیر تا مدارس خاص (وابسته به ن هاد ها وموسسات، دانشگاه هاو...)، که عمدتاً نظارت مسئولین بر آن ها صرفاًدر مرحله تقنینی وگاهی هم حضور برای پیگیری روند های اجرایی بعضی از دستورالعمل هاوبخشنامه های اداری در این مدارس است. بی شک فرایند فرسودۀ بخش های اداری مناطق آموزش و پرورش توان خط دهی ونظارت قاطع بر فعالیت های آموزشی در این موسسات را ندارند. لذا در موارد زیادی فعالیت این دست از مدارس در غیبت مجریان دولتی جریان دارد، مثلا: اگر چه تابلویی در دفتر ثبت نام مدرسه نصب می شود که درجۀ مدرسه از حیث ارائه خدمات آموزشی و مقدار شهریۀ مصوب ومبلغ کلاس های فوق برنامه، تقویتی... در آن به چشم می خورد، اما همه می دانیم که دریافت ها عمدتاًطبق قراداد های نانوشته صورت می گیرد وگاهی هیچ تناسبی با مبلغ مصوب ندارد. این یکی از پیامد ها شمرده می شود که متقاضیان را می آزارد و کنترل آن از دست مجریان دولتی خارج شده است. ونیز تا زمانی که تیغ تیز کنکور زیر گلوی فرزندان وخانواده هاست و تا وقتی که رقابت برای پُر کردن بهترین صندلی ها در بهترین دانشگاه ها جریان دارد، حضور موسسات

مرتبط با کنکور و فعالیت آماده سازی برای این رقابت سنگین، مدارس را تحت الشعاع خود قرار می دهد. ما ناظر حضور مردان وپسران جوان وابسته به موسساتی مانند قلم چی و... هستیم که بسیار پر تعداد در دبیرستان های دخترانه سطح شهر رؤیت می شوند. همه چیز وابسته شده به توان وکنترل ودقت مدیران مدارس... این توافقات وتفاهمات بین آموزش وپرورش وسایر موسسات و مراکز آموزشی نه تن ها نیازمند تأمُل جدی در نتایج است بلکه باید به پیامدی آن ها نیز توجه داشت. اما دخالت وحضور روحانیون در مدارس از مقوله دیگری است. در" سند تحول"آموزش وپرورش به تعامل با مراکز مذهبی ومساجداذعان دارد. اینکه پای محصلان به مساجد باز شود، اینکه ائمه جماعات مساجد در جهت تقویت بنیهٔ تربیت دینی فرزندان این آب وخاک مسئولیت دارند، جای هیچ شک وشبهه ای نیست. در یک جامعه اسلامی، خانواده ها حق دارند از امکانات مساجد در جهت تقویت اعتقادی فرزندانشان استفاده کنند ومساجد نیز باید در این زمینه اولویت ها را در نظر گیرند. اگر مدیریت مدرسه ومربیان پرورشی ومعلمان، در یک چ هارچوب منسجم تربیتی برنامه ریزی نکنندو پازل بزرگ فعالیت های تربیتی را در جای مخصوص خود نچینند وهر قدمی که بر داشته می شود در توجیه وادامه برنامه های قبل وبعد نباشد، چه اتفاقی می افتد؟اینجاست که بی توجهی به پیامد ها، آسیب رسان می شود. برای مثال تعدادی روحانی با انگیزهٔ خدمت به بچه ها به مدارس وارد می شوند. تا زمانی که مسئله اقامه نماز جماعت است، مشکلی نیست، اما وقتی مدیران به دنبال پیدا کردن پنجره خالی که البته از اول سال وموقع نوشتن برنامه درسی پیش بینی نشده به تکاپو می افتند، (البته امکان چنین پیش بینی هم کمتر وجود دارد زیرا بسیاری از این طرح ها متکی بر بودجه هایی هستند که نه در برنامه سالانه آموزش وپرورش بلکه به دنبال رایزنی های بعد از تصویب بودجه زنده می شوند)، در این حالت، وضعیت دیدنی است، از معلمان دروس عمومی، خواهش می کنند که این زنگ وکلاس را در اختیار روحانی مدعوّ بگذارد. بچه ها منتظر ورود معلم... خدا خواسته یک روحانی وارد کلاس می شود. نوع چیدمان کلاس اساساً برای این فعالیت مناسب نیست، خصوصاً وقتی که روحانی فوق الذکرمی خواهد مبحثی اخلاقی یا عبادی ویا حتی اعتقادی را مطرح کند. در مدارس دولتی به علت تنوع رفتاری واخلاقی وحتی نگرشی ونبود

نیروی انسانی کافی، عمدتاً موفقیت نظام مندی بر چنین فعالیتی مترتب نیست (در نوبت های بعدی هم فرصت ورود به آن کلاس فراهم نبوده و معمولاً سهم هر کلاس یک مرتبه در سال بیشتر نیست) این حضور اتفاقی، کدام پازل تربیتی را تکمیل می کند ؟ اگر مسئولین بگویند در این فرصت به شب هات بچه ها پاسخ داده می شود ویا مطالبی مطرح می گردد که در ایجاد تحول در محصلان موثر بوده، کافی است سری به مدارس بزنند و با یک بررسی اجمالی ببینند که چگونه بعضی از این برنامه ها، مدرسه را از روال طبیعی وروز مره خود خارج می کند که پیامد هایش به نتایج ضعیفش نمی ارزد. مگر آنکه از تابستان، چنین کلاس هایی پیش بینی شده ودر جدول برنامه های درسی گنجانیده شوند. البته ورود روحانیون به اتاق های هوشمند مدارس (اتاق هایی که به یک دستگاه رایانه و ویدئو پرژکتور مجهزند) نیز خود یک ابتکار دیگری است. دانش آموزان از دیدن این برنامه ها وشنیدن توضیحات روحانی مجری طرح یقیناً بهره مند می شوند، مسئولین آموزش وپرورش و حتی مدیران مدارس محلی چقدر در تولید این محتوا ها دخالت دارند؟ این تولیدات پاسخگوی کدام بخش از معضلات تربیتی است؟چون نقشه کاملی در دست مجریان تربیتی مدارس نیست (این در حالی است که کتابخانه های مدارس، آزمایشگاه ها و... فاقد یک فعالیت هدفمند ومنسجم هستند). حتی گاهی بخش زیادی از معلمان وحتی کادر مدرسه خبری از پشت در بسته این کلاس ها ندارند ونمی توانند در باره این طرح هااظ هار نظر کنند. از دید مدیران مدارس این برنامه ها فرصتی برای پر کردن وقت های خالی محصلان شمرده می شود (حتی مدیری به روحانی مدعو گفته بود اگر روزی معلمی نیامد ما به شما زنگ می زنیم برای کلاس مورد نظر تشریف بیاورید!). وکسی متعاقب آن پیگیری نمی کند که تا چه میزان این فعالیت ها تأثیر گذار بوده است. به نظر می آید درست اجرا نشدن این طرح ها و درست جا نیفتادن این طرح ها در برنامه های مدرسه، بزرگترین پیامد منفی را به دنبال دارد وآن بُو زده کردن طرح ها و گرفتن فرصت های مجدد ارائه آن هاست. فرزندان ما نیازمند طرح های نظام مندی هستند که بنیاد ها ی تربیت دینی را در آن ها مستحکم کند و آموزش وپرورش باید این رسالت سنگین را با هوشیاری به انجام برساندو ضمن حفظ استقلال واعتبار خود از همهٔ ظرفیت های موجود

بهره بگیرد. اگر مرجعیت و کفایت خود را در این باره از طرف ذی نفعانش زیر سؤال ببرد یقیناً دچار خُسران غیر قابل جبران شده است.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد به آموزش و پرورش

۱. استفاده از دبیران مؤمن و آگاه به مبانی دینی

۲. برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت جهت افزایش معلومات معلمان در زمینه تربیت دینی

۳. برگزاری دوره های ضمن خدمت جهت آشنایی با اصول تربیت دینی دانش آموزان.

پیشنهاد به مدیران مدرسه

۱. برگزاری جلسات انجمن اولیاءو مربیان و دعوت از مشاوران مجرب برای آموزش چگونگی تربیت دینی به خانواده ها.

۲. نظارت بر اخلاق، رفتار و شیوه‌ی آموزش معلمان و برگزای جلسات با آنان جهت یادآوری، تذکر و بررسی عملکرد آنان.

پیشنهاد به معلمان

۱. افزایش مطالعات و توانایی های خود برای تربیت بهتر دانش آموزان.

۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و بکارگیری این ابعاد در تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان.

۳. ارتباط مباحث درسی با معارف دینی و جبران ناگفته های کتاب.

۴. تغییر شیوه‌ی ارزشیابی دروس دینی از حالت حفظی به عملی و تحلیل مفاهیم.

۵. استفاده از داستان و ارائه‌ی الگو در جهت درک بهتر معارف دین.

۶. گروه بندی دانش آموزان برای افزایش اختیارات و عزت نفس آن ها.

توصیه به خانواده ها

۱. نظارت بر رفت و آمد فرزندان و دوستان آن ها و جلوگیری از رفت آمد با افراد ناشایست.

۲. همراهی با فرزندان برای شرکت در مراسم مذهبی، روضه ها و جلسات دینی.

۳. افزایش مطالعات در زمینه‌ی دین و تربیت دینی و زمینه سازی در فرزندان جهت آمادگی برای پذیرش دین.

پیشنهاد به برنامه ریزان کتب درسی

۱. استفاده از نظرات دانش آموزان در تدوین کتب درسی.

۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و ارائه‌ی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی متناسب با این ابعاد در کتب دینی و غیر آن.

۳. استفاده از لحن روان، تمثیل، الگو و داستان های واقعی.

۴. ارائه‌ی تمرین هایی که به افزایش قدرت تعقل و تفکر دانش آموز می‌انجامد.

۵. ارتباط منطقی مطالب کتب دینی و سایر کتب با معارف دینی.

منابع و مآخذ

- بگلوسیاوش، حسین، ۱۳۹۴، بررسی نقش و جایگاه و عملکرد آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت دینی با توجه به رویکرد برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی در برنامه ریزی درسی مدارس، اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، کرمان
- خیبری، امیرحسین و منیدری، مظاهر، ۱۳۹۸، تربیت دینی دانش آموزان، اولین همایش ملی مدرسه فردا، اردبیل
- شرفی, محمود, شرفی, زینت. (۱۳۹۲). تحلیل و مقایسه نیاز های تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی۱۴-۱۱۹ , (۱۶) ۴ ,
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۸) «آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان»«مجموعه مقالات همایش تربیت دینی» قم: انشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- کرم الهی, نعمت الله, اسداللهی, حبیب الله. (۱۳۹۶). بررسی رابطه ارزیابی دانش آموزان از عملکرد مبلغان روحانی مدارس و نگرش آنان نسبت به روحانیت. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه.